

درباره ضرورت جبهه

ه با دیدگاه های عملی در جهات اتحاد نیروهای انقلابی و مترقی برداشت مسئله اتحاد نیروهای انقلابی و مترقی و تشکیل جبهه، همواره یکی از موضوعات مهم و اصلی در جنبش رهاشی بخش بوده است. تجربه تاریخی جنبشهای رهاشی بخش در پنجاه سال اخیر، ضرورت تشکیل جبهه های از نیروهای انقلابی و مترقی را بروشنی نشان داده است. جنبشهای رهاشی بخشی که نیروهای انقلابی و مترقی درون آن با پراکندگی و تفرقه روبرو بوده اند، بسا شکست و ناکامی مواجه گشته اند و جنبشهای شکست خورده ای از نیروهای انقلابی و مترقی را بروشنی نشان داده است. جنبشهای رهاشی که پراکندگی و خودبخودی بودن مبارزات کارگران، از هم پاشیدگی تشکلهای توده ای کارگری، تفرقه گسترده در طبقه نیروهای چپ و فقدان پیوند مستحکم تشکلهای چپ با طبقه کارگر، از مشخصه های اصلی جنبش کارگری - کمونیستی ایران است.

حلقه اصلی در وحدت مارکسیست - لنینیستها

جنبش کمونیستی و کارگری میهن مان در شرایطی که جامعه در مسیر اعتدالی انقلابی سیر می کند و در چشم انداز نیرو جنبش های وسیع کارگری توده ای محتمل است و تکانهای شدید اجتماعی را پیش رود از ضعفهای جدی رنج می برد. پراکندگی و خودبخودی بودن مبارزات کارگران، از هم پاشیدگی تشکلهای توده ای کارگری، تفرقه گسترده در طبقه نیروهای چپ و فقدان پیوند مستحکم تشکلهای چپ با طبقه کارگر، از مشخصه های اصلی جنبش کارگری - کمونیستی ایران است.

مبارزه برای وحدت نیروهای مارکسیست - لنینیست، گسترش پیوند جنبش کمونیستی با جنبش کارگری، سازماندهی تشکلهای توده ای کارگری و یکپارچه کردن مبارزات کارگران، و مبارزه برای غلبه بر این ضعفهای جدی وظایف سنگینی است که بر دوش کلیه مارکسیست - لنینیست های انقلابی قرار دارد. امر وحدت نیروهای چپ و غلبه بر بحران کنونی جنبش کمونیستی بخصوص از اهمیت ویژه ای برخوردار است. چرا که از یک سو شرایط دیکتاتوری و اختناق کنونی، بدون برداشتن گامهای جدی در جهت وحدت نیروهای مارکسیست - لنینیست، و غلبه بر بحران جنبش کمونیستی، گسترش پیوند با طبقه کارگر، سازماندهی تشکلهای توده ای کارگری و یکپارچه کردن مبارزات کارگران، بکنده پیشرفت باقیه در صفحه ۸

سازگود انقلاب کبیرا کتبر



در صفحه ۷

تدارک حمله بزرگ و

تناقضات رژیم

پس از گذشت شش سال از جنگ ارتجاعی و فلاکت را بر ایران و عراق، رژیم جمهوری اسلامی ایران در تدارک "حمله نهائی" است و در تبلیغات خود در رابطه با جنگ بر آن تکیه می کند. مفهوم این تبلیغات روشن است: کشتار بزرگ صدها هزار تن در جبهه ها متمرکز شده و جریان شکار جوانان در شهرها و روستاها برای اعزام به جبهه ها شدت یافته است. سایه شوم یک کشتار بزرگ و بی سابقه در همه جای کشور گسترش می یابد. رژیم در تدارک سیاست جنگ افروزانهای این بار حمله بزرگ و وسیعی را تدارک می بیند که هدفش به اصطلاح کسب پیروزی نهائی است. برای سردمداران جنایت پیشه جمهوری اسلامی شش سال جنگ، کشته شدن صدها هزار نفر، انبوه میلیونی معلولین، زخمی ها و بی خانمانها و مدها میلیاردها دلار خسارات وارده کافی نیست. این رژیم در بی مظالم قرون وسطائی وظیفه یافته است که تا پایان امسال هزاران تن دیگر از جوانان کشور را در خون شان غرقه سازد.

اما رژیم برای ادامه جنگ در شرایط بحران اقتصادی کنونی با تناقض بزرگی مواجه است. از یک سو بدلیل از دست دادن پشتوانه های اقتصادی و مالی جنگ و رشد جنبش اعتراضی توده ها میكوشد با تدارک "حمله نهائی" به "پیروزی قاطع و نهائی" در جنگ دست یابد، و از سوی دیگر توازن نیروهای نظامی طرفین در کبر در جبهه ها بگونه ایست که امکان چنین "پیروزی" را برای نیروهای رژیم غیر محتمل باقیه در صفحه ۶

خلق شیلهای پیروز است

شیلهای در دوران انقلابی برمی آید. هجانات و تب و تاب انقلابی در میان مردم بالا می گیرد. اعتصابات توده ای گسترش یافته و روال زندگی از حالت عادی خارج شده است. رویدادهای حوادث سیاسی آنچنان با سرعت رخ می دهند که نظیر آن هیچگاه در شرایط عادی دیده نمی شوند. در نتیجه اعتصاب عمومی اقتصاد کشور کاملاً مفلوج شده، شهرها خلوت و در خیابانها پرند برونمی زند. شهرها در اکثر شبها در تاریکی مطلق فرو می روند. اعتصابات گرسنه بر خیزنده ها نیز فشار می آورد اما مردم از هر اقدامی در جهت بزا خوردن و ردن حکومت فاشیستی پینوشه، با آغوش باز استقبال می کنند. شرایط سخت مبارزه جسک کمک متقابل و دوستی و برادری را در بین شهروندان و بویژه در بین توده های کارگرو زحمتکش گسترش داده و الزامات مبارزه، ابتکارها و خلاقیتها

مردم را تکامل می دهد. بردیوارهای شهرهای شیلهای دیگر نه فقط شعارهای انقلابی بلکه طرز تهیه و استفاده از کوکتل مولوتف و نیز انواع کلت و مسلسل و نیز خطاب به سربازان ارتش شمار باقیه در صفحه ۶

جنگ مالی تجاری امپریالیسم

بحران اقتصادی جهان سرمایه داری که امروزه یکی از جنبه های بارز خود را بصورت بحران سیستم پولی و بحران مالی - تجاری امپریالیسم نشان میدهد، بیش از پیش تشدید شده و روز بروز ستیز بین مراکز و قطبهای امپریالیستی برای تسلط بر بازارها و زمینها بدر کردن رقبا خود حادث می شود. کشمکشهای بین امریکا از یک سو و ژاپن و کشورهای اروپای غربی (بویژه آلمان) از سوی دیگر بر سر چگونگی تثبیت نرخ برابری ارزها و تعیین نرخ بهره، با توجه به نتایج نشستها و مذاکرات اخیر روزهای دارائو مالی باقیه در صفحه ۹

بررسی یکسال فعالیت نشریه

یکسال از انتشار ارگان سازمان می گذرد، یکسال پیش بدنبال اعلام برنامها، انتشار ارگان سازمان را آغاز کردیم. انتشار ارگان در آن مقطع برای گسترش فعالیت سیاسی و تشکیلاتی سازمان و مبارزه برای تثبیت خط منی باقیه در صفحه ۵

حزب کمونیست ویتنام در تدارک ششمین گنگره

در صفحه ۴

درباره ضرورت جبهه

بقیه از صفحه ۱

توانسته اند به پیروزی دست یابند که نیروهای انقلابی و مترقی موفق شده اند جبهه‌ای از نیروهای انقلابی و مترقی را تشکیل دهند. صحت ضرورت مبارزه برای تشکیل جبهه در تجربه جنبش‌های رهاشی بخش طی دهه‌های اخیر به اثبات رسیده است. روشن است که شکل و مضمون، خصوصیات و ویژگیهای جبهه‌های مختلفی که در عرصه مبارزات رهاشی بخش و انقلابی شکل گرفته‌اند یکسان نبوده و بسته به مشخصه‌های وضعیت سیاسی و اجتماعی و خصوصیات جنبش انقلابی در هر کشور معین، فرم و محتوا، خصوصیات و ویژگیهای خاص خود را داشته است. حتی در یک کشور معین نیز در مراحل مختلف مبارزه، گاه جبهه‌هایی که شکل گرفته از خصوصیات و ویژگیهای متمایزی برخوردار بوده است. آنچه در این تجارب تاریخی عمومیست دارد، ضرورت اتحاد نیروهای انقلابی و مترقی و تشکیل جبهه‌ایست که در هر کشور معین و در هر مرحله مشخص از جنبش، خصوصیات و ویژگیهای خاص خود را دارد.

تجربه تلخ شکست‌های جنبش انقلابی در ایران نیز بجا آمده است که بدون اتحاد نیروهای انقلابی و مترقی، کسب پیروزی ممکن نیست. کافیت فقط اندکی در درسیهای انقلاب بهمن و علل شکست آن تعمق شود، تا به ضربه‌ای که از رهگذر پراکندگی نیروهای انقلابی و مترقی بر جنبش وارد آمده است، پی برده شود. اتحاد نیروهای انقلابی و مترقی که درگیر مبارزه علیه خصم مشترک هستند، برای دستیابی به اهداف مرحله‌ای مشترک، از ضرورت‌های عینی مبارزه و رشد و تکامل آن ناشی می‌شود. لیکن ضرورت‌های عینی پیشبرد مبارزه، بطور خودبخودی به اتحاد نیروهای مختلف منجر نمی‌گردد، بلکه درک ضرورت‌های مرحله‌ای از جانب نیروهای سیاسی و تلاش آگاهانه آنها، به نوبه خود نقش قاطعی در اتحاد نیروها و تشکیل جبهه دارد. به عبارت دیگر، عامل ذهنی و تلاشی آگاهانه نیروهای سیاسی در تشکیل جبهه نقش عمده‌ای ایفا می‌کند. عقب ماندگی شرایط ذهنی، عدم درک درست ضرورت‌های مرحله‌ای و اهمیت این موضوع، از جانب نیروهای سیاسی مختلف، علیرغم فشار ضرورت‌های عینی مبارزه، می‌تواند تشکیل جبهه را ناممکن ساخته و تحقق اتحاد نیروهای مترقی و انقلابی را موقوف بگذارد، که جنبش رهاشی بخش در میهن ما نمونه برجسته‌ای از آنست.

جنبش رهاشی بخش در ایران همواره در حساسترین مراحل خود، دچار پراکندگی و تفرقه بوده است و پراکندگی نیروها نقش موشری در بسط شکست‌گشا نیندین جنبش ایفا کرده است. امروز نیز در شرایط خطیری که جامعه در مسیر بحران ملی عمومی و اعتلا جنبش خودمختار حرکت می‌کند، هنوز وحدت اصولی و پایداری نیروهای انقلابی و مترقی که ما به عمل بخود نپیوسته‌ایم است. پس از انقلاب بهمن شرایط مساعدی برای تشکیل جبهه وجود داشت، در هر کارخانه و

مزرعه، هر کوی و بوزن، اداره، دانشگاه و مدرسه و... ضرورت وحدت نیروهای مترقی و انقلابی برای دفاع از دستاوردهای انقلاب و مقابله با حاکمیت ضدانقلابی، کاملاً محسوس شد. در عمل نیز در صحنه مبارزه، اتحاد عملیاتی بطور خودبخودی جریان داشت. اتحاد عمل، همکاری و همکاری نیروها در کردستان در یک مرحله، حتی تا حد تشکیل هیئت نماینده‌گی خلق کرد پیش رفت. اما این قبیل تلاشها محدود بود و واقعیت این بود که در آن شرایط، ضرورتها بیشتر به صورت خودبخودی عمل می‌کرد و توسط اغلب نیروهای انقلابی و مترقی همیت وحدت عمیقاً درک نشده بود و به سطح کوشش آگاهانه و هدفمند در راستای اتحاد نیروها و تشکیل جبهه‌ای برای مقابله با ارتجاع حاکم، ارتقاء نیافته بود. سازمان فدائی به مثابه بزرگترین نیروی انقلابی چپ با پایگاه با لایحه وسیع در سراسر کشور و اپوزیسیون نیرومند حاکمیت جدید، در صورت درک این ضرورت و تلاش هدفمند در راستای تشکیل جبهه‌ای از نیروهای انقلابی و مترقی در برابر ارتجاع حاکم، می‌توانست نقش مهم و موشری در تحقق اتحاد نیروها و تشکیل جبهه ایفا نماید. همکاری، کمتشرش همکاریها و پیشرفت آن در راستای تشکیل جبهه، می‌توانست بر تزلزل مجاهدین در برابر حکومت و سیاست عدم همکاری علنی آنان با نیروهای چپ و انقلابی که آشکارا در برابر حاکمیت قرار گرفته بودند، تا ثیرات جدی بجا بگذارد. اما متأسفانه ما در آن شرایط حساس بدلیل فقدان مشی و برنامه مدون، دچار بودیم به انحرافات مختلف از جمله سکتاریسم و خودمحور بینی و سطح پائین تجربه سیاسی، نتوانستیم این ضرورت را عمیقاً درک کرده و آگاهانه در جهت پاسخگویی به آن حرکت کنیم. و البته در این خطای جدی، ما تنها نبودیم و اغلب نیروهای سیاسی نیز از درک این ضرورت و تلاش آگاهانه در جهت پاسخگویی به آن با زمانند و در نتیجه جبهه‌ای نتوانست شکل بگیرد. در تیرماه سال ۶۰ مجاهدین در ائتلاف با

بنی صدر حول میثاق بورژوازی و فرمیستی وی "شورای ملی مقاومت" را تشکیل دادند که کسب برق آسا و سریع قدرت سیاسی هدف محوری آن بود. "شورای ملی مقاومت" با تغییر میثاق بنی صدر به برنامهدولت موقت جمهوری دمکراتیک اسلامی و تا حدودی تعدیل چشم انداز کسب سریع قدرت سیاسی، توانست بتدریج بخشی از نیروهای مترقی و انقلابی را جلب کرده و بطور موقت ائتلاف بخشی از نیروهای اپوزیسیون را بوجود آورد. "شورای ملی مقاومت" تناقضات جدی به همراه داشت، برنامهمعکس‌کننده خواسته‌های انقلابی و دمکراتیک بوده‌ها نبود، ارزیابی آن از تناسب واقعی نیروهای سیاسی در کشورنا درست و غیر واقع‌بینانه بود، هدف کسب سریع قدرت سیاسی در آن شرایط امکان پذیر نبود و تا کتیلهای آن منطبق با وضعیت جنبش توده‌ای نبود و رابطه صحیح و اصولی و مبتنی بر موازین دمکراتیک در این ائتلاف مابین نیروها وجود نداشت. در مجموع "شورای ملی

مقاومت" فاقد خصوصیات اصلی جنبه دمکراتیک و انقلابی بود و نتوانست در این راستا تکامل یابد و طی روندی عملاً حادثی مولفین اصلی مواحه گردید. اما علیرغم این سازمان مجاهدین همچنان تا بلوی "شورای ملی مقاومت" را نگهداشته و خود را یک تنه تنها "الترنا تیو دمکراتیک" بشمار می‌آورد. اما نه برنامهای که ارائه می‌دهد برنامهای حقیقتاً دمکراتیک و انقلابی است و نه اینکه بلحاظ توان سیاسی - تشکیلاتی و پایگاه طبقاتی و توده‌ای "الترنا تیو" می‌تواند محسوب شود. گرچه مجاهدین هنوز در صف نیروهای مترقی اپوزیسیون قرار دارد، لیکن سیاستهای انحصارطلبانه، خودمحور بی‌بند و راست‌روانه‌ای که پس از "انقلاب ایدئولوژیک" به کمونیسم ستیزی نیز گراشیده است، راه اتحاد و همکاری با مجاهدین را سد کرده است و ما دام که جنبش سیاستهاشی دنبال شده و تغییر جدی در آنها بوجود نیاید، عملاً مکان ائتلاف و تشکیل جبهه با مجاهدین وجود ندارد.

طیف نیروهای مترقی و انقلابی، همچنان در پراکندگی کاملی بسر می‌برند، لیکن فشار روزافزون شرایط و ضرورت عینی اتحاد در وضعیتی که موقعیت رژیم جمهوری اسلامی بیش از پیش به وخامت می‌گردد و در چشم انداز تکانه‌های شدید اجتماعی پیش‌بینی می‌شود، نیروهای مختلف سیاسی را بطور جدی، به اندیشیدن به این مسئله و تلاش برای پاسخگویی به ضرورت اتحاد نیروها واداشته و در ماههای اخیر سمتگیری‌های روشنی در راستای تلاش برای اتحاد نیروها و تشکیل جبهه پدید آمده و زمینه‌هایی ایجاد شده است که در صورت کوششهای آگاهانه، پیگیری و هدفمند، می‌تواند طی روندی به اتحاد بخشی از نیروهای مترقی و انقلابی و تشکیل جبهه بی‌نجامد مسلماً هنوز بر سر راه تشکیل جبهه موانع مهمی وجود دارد که غلبه بر آنها سهل و آسان نیست و تنها با تلاشی پیگیر، واقع بینانه و شکیبایی لازم می‌توان بر آنها فائق آمد. اما ما فراهم شدن این حداقل‌های لازم، با توجه به اوضاع سیاسی جامعه و چشم انداز تحولات، آغاز تلاشی هدفمند و مشخصی را در این راستا ممکن می‌سازد. سرانجام این تلاشی آگاهانه بطور عمده به میزان پیگیری و فعالیت نیروها در این زمینه و درک عمیق ضرورت و اهمیت مبرم این مسئله دارد، لذا ضروری است در وهله نخست به شرایطی که مبارزه برای تشکیل جبهه را مبتنا به وظیفه‌ای مبرم ضروری می‌سازد نظری بیافکنیم.

"وضعیت کنونی و چشم انداز تحولات سیاسی" رژیم جمهوری اسلامی در شرایط کنونی با بن بست کاملی روبروست. سیاستهای ارتجاعی و جنگ‌افروزان مرتجعین حاکم، طی ۷ سال ونیم پس از انقلاب بهمن، اقتصاد کشور را فلج کرده، جامعه را بسوی تبااهی سوق داده و فقر و فلاکت عظیمی را گریبنا نگیر توده‌های مردم ساخته است. طی این مدت ذخائر ارزی ته کشیده و رژیم با ورشکستگی مالی روبرو گشته، تولید ناخالص ملی بشدت سقوط کرده، حجم اسکناس در گردش چندین

درباره ضرورت جبهه

بقیه از صفحه ۲

برابر شده و نورام فساد رگسیخته پیدایمی کند، رکود گسترش یافته، بخشی از کارخانجات و مراکز تولیدی تعطیل شده و در بخش وسیعی تولید با نصف ظرفیت واقعی صورت می گیرد، تولیدات کشاورزی بشدت افت کرده، ... و در یک کلام بحران اقتصادی حدت و شدت فوق العاده ای یافته است.

رژیم جنگ افروزمی و جمهوری اسلامی برای تداوم جنگ ارتجاعی با محدود کردن روزافزون بودجه های عمرانی، رفاهی، آموزشی و ... بخش اعظم بودجه کشور را به جنگ اختصاص داده است. با اتکاء روزافزون رژیم به درآمدهای حاصله از فروش نفت، در شرایط بحران بیمن - المللی نفت، سقوط بهای آن و کاهش میسزان صدور نفت ایران، تا مین هزینه های سنگین جنگ خانمانسوز پیش از پیش با مشکلات جدی ترولاینحلی روبرومی گردد. رژیم حتی به بهای به ویرانی کشیدن اقتصاد کشور، افزایش بی رویه مالیاتها و اختصاص بخش اعظم بودجه کشور به جنگ نیز قناعت نیست هزینه های کمر شکن جنگ را تا مین کند.

تورم افسارگسیخته، تورم با رکسود سنگین و ورشکستگی مالی، و خامت وضعیت اقتصادی و عمق بحران اقتصادی را نشان میدهد.

جنگ ارتجاعی بین ایران و عراق کساز جمله عوامل اصلی تشدید بحران اقتصادی است، مدت ها است که بصورت فرسایشی درآمدها است. نسل به "حمله های بزرگ" درجبهه ها میتوانست تغییر کیفی در وضعیت جنگ به نفع رژیم جمهوری اسلامی بوجود آورده و رویای ارتجاعی سران رژیم در "کسب پیروزی بزرگ" و روی کار آوردن حکومت اسلامی دست نشانده در عراق را عملی سازد و نه جنگ طلبی های رژیم در مورد "انقلاب" اسلامی پایانی برای جنگ ترسیم می کنند و محتمل ترین چشم انداز تداوم جنگ در شکل کنونی فرسایشی آنست، ادامه وضعیت بهین منوال، توان اقتصادی و نظامی را تحلیل برده، بحسبان اقتصاد را حادث بخشیده و موقعیت رژیم را بطور روزافزونی متزلزل تر خواهد ساخت.

در چنین وضعیتی، تداوم درگیری بین دو جناح اصلی در حاکمیت گسترش می یابد. اختلاف و درگیری بین جناح های حاکم در تمامی نهادها از "بالا" تا "پائین" جریان دارد و گسترش می یابد. در پی "حملات بزرگ" آتسی که محتملا نتایجی نظیر حمله های پیشین خواهد داشت، تداوم جنگ و تعمیق بحران اقتصادی این درگیری اوج خواهد گرفت و حتی میتواند به شکافی در "بالا" منجر شود.

سلطه استبداد قرون وسطائی مذهبی، تداوم جنگ و ویرانی اقتصاد کشور، فساد فلاکت ورنج و آلام توده های مردم را ابعاد بی سابقه ای بخشیده است. ممانت ناشی از جنگ ارتجاعی که مستقیما علیه منافع کارگران و زحمتکشان دوکشوری باشد، زندگی طاقتست - فرسائی برای توده های مردم ببار آورده است. سطح زندگی کارگران و زحمتکشان بطور مطلق

سقوط کرده است، ما محتاج اولیه زندگی میاب است، بیکاری و حشمتناکی جا معه را در بر گرفته، ورشکستگی مالی و گسترش رکود کارگران و کلیه شاغلین را با خطر جدی بیکاری مواجه کرده است. صدها هزار نفر در جبهه ها بخاک و خون کشیده اند و نوجوانان، جوانان، سالمندان و حتی کودکان در معرض سربازگیری و بسیج اجباری برای جبهه ها قرار دارند، آزادیهای سیاسی محسوس و نابودگشته، زندانهای رژیم مملو از زندانیان سیاسی است و شکنجه و اعدام ابعاد بی سابقه یافته است. افراد جا معه حتی در زندگی خصوصی خود نیز آزاد نیستند، ستم دوگانه بر زنان بطور وحشمتناکی تشدیدگشته و ابتدائی ترین حقوق انسانی از آنان سلب شده، ملیتهای ساکن ایران تحت ستم شدید ملی قرار دارند، ... قوانین ارتجاعی قرون وسطائی حاکم است و جا معه به قهقرا سوق داده شده است.

نفرت از جنگ در میان توده ها گسترش یافته و صلح به مبرمترین خواست توده ها بدل شده است. مردم که در ماه های نخستین انقلاب آزادیهای سیاسی را تجربه کرده اند، تشنه آزادی هستند و آزادی یکی از خواسته های مبرم و اساسی توده ها را تشکیل میدهد، بیکاری گسترده و عدم تضمین شغلی، کار را به خواست مبرم توده ها تبدیل کرده است. ناراضی توده ها و نفرت نسبت به رژیم عمیقاً گسترش یافته است. رژیم تنها با تکیه بر سربزه، ترور و اختناق و وحشمتناک میتوانند چنانچه صبحی دیگر به حیات تنگین خود ادامه دهد. هر اعتراضی با گلوله پاسخ داده میشود، اما سرکوب وحشیانه نیز قادر به جلوگیری از رشد میسارزه توده ها نیست و مبارزات مردم در اشکال مختلف جریان داشته و گسترش می یابد. مبارزات کارگران هر چند پراکنده بوده و عمدتاً حول خواسته های منفی - سیاسی صورت میگیرد، لیکن گسترده است و سیر صعودی طی میکند. فقدان نیروی سیاسی رهبری کننده و موردا اعتماد توده ها از جمله عوامل اصلی پراکندگی و محدودیت خواست توده ها است که بصورت عامل منفی در یکپارچگی و گسترش سریع مبارزات توده ها عمل میکند. وضعیت بحران کشور، بروز جنبشهای اعتراضی و وسیع توده ها را محتمل ساخته است. در شرایط اختناق و سرکوب وحشیانه و شدید، بروز این جنبشها ممکن است بصورت بروز انفجار خشم و اعتراض ناگهانی توده ها صورت گیرد و تعیین لحظه وقوع آن از پیش ممکن نیست.

تنافضات اجتماعی در تمام جهات تشدید میشود، جا معه در مسیر بحران عمومی ملی سیر میکند و آستان تحولات انقلابی است و در چشم انداز بروز اعتلا انقلابی در جنبش توده ای محتمل است.

در این شرایط که موقعیت رژیم جمهوری اسلامی بطور روزافزونی به وخامت می گراید، نیروهای مختلف طبقاتی فعالیت خود را برای هموار کردن راه به جنگ گرفتن قدرت سیاسی

گسترش داده اند.

ضدانقلاب مغلوب، محافل بورژوازی بزرگ و سلطنت طلبان که انقلاب سپمن با مدفون کردن رژیم سلطنتی آنها را به خارج از حیطه قسدرت سیاسی برتاب کرد، در صدد احیاء نظم ارتجاعی گذشته و بازگرداندن چرخ تاریخ به عقب هستند. تلاش آنها برای براندازی رژیم که اساساً سه شیوه های کودتائی متکی است، معطوف به روی کار آوردن رژیم مونا رگوفا شیستی دست نشانده امپریالیسم آمریکا است. این طیف ارحما بیست کامل امپریالیسم سرکردگی آمریکا و از امکانات مالی وسیعی که از چپاول و غارت ثروتهای ملی و استثمار کارگران و زحمتکشان سپمن مان بچسب آورده اند، برخوردارند. ضدانقلاب مغلوب در بین مرهه ترین اقشار جا معه نه داشته و از نفوذ در ارتش و پاره ای ارگانهای دولتی برخوردار است اینان در میان توده های محروم اروپا خسته اند و پنجاه سال سلطنت ارتجاعی و استبدادی ما هیبت آنها را برای توده های مردم روشن ساخته است. دشمنی آنها با انقلاب و مبارزات انقلابی توده ها آشکار و عیان است و بطور جدی مبارزه آشتی ناپذیری با آنها با دید به پیش برده شود.

طیف دیگر اپوزیسیون ضدانقلابی رژیم، "لیبرالهای مذهبی" که برای اصلاحاتی در چارچوب قانون اساسی ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی تلاش میورزند، هستند. بخشی از این طیف از امکانات فعالیت علنی برخوردار نبوده و "اپوزیسیون قانونی" رژیم بشمار می آید. این طیف از جایگاه نسبی در اقشار رفعا معه برخوردار بوده و با طرح پاره ای از خواسته های مبرم توده ها نظیر صلح و آزادی و تظا هره آزادیخواهی، تلاش میکنند بر اعتراضات توده ای سوار شده و متناسب در قدرت دولتی را بسود خود تغییر دهند. تلاش آنها اساساً معطوف به محدود ساختن مبارزات و خواست توده ها در چارچوب نظام جمهوری اسلامی و جلوگیری از تعمیق و رادیکالیزه شدن جنبش توده ای است. در شرایط فقدان نیروی انقلابی رهبری کننده در جنبش خط تسلط اینان برجشش توده ای منتفی نیست و با دید پیگیرانه به اقصاء ماهیت ضدانقلابی و سازشکارانه و آزادیخواهی دروغین آنها در میان توده های مردم پرداخت.

در این وضعیت حساس که در چشم انداز بروز جنبشهای وسیع توده ای محتمل است، و نیروهای مختلف طبقاتی خود را برای بهره گیری از این شرایط و به جنگ گرفتن قدرت آماده می کنند، پراکندگی نیروهای انقلابی و مترقی از ضعفهای اساسی جنبش انقلابی محسوب میشود. ادامه پراکندگی کنونی، خطر عدم موفقیت مبارزات توده ها را در بر دارد. نیروهای مترقی و انقلابی از هم اکنون باید بطور جدی و پیگیر در جهت گردآوری قوا و اتحاد نیروهای انقلابی در جبهه های دمکراتیک و انقلابی حرکت کنند، تا بتوانند با خنثی کردن فعالیت نیروهای ضدانقلابی اپوزیسیون و بدست گرفتن رهبری مبارزات توده ها، جنبش انقلابی را در مسیر پیروزی هدا یست

درباره ضرورت جبهه

بقیه از صفحه ۳
نمایند. مسئولیت سنگین و خطیری بردوش تمامی نیروها قرار دارد، نباید گذشت که تجربه انقلاب بهمن این بار بگونه‌ای دیگر تکرار شود. ضعف ناشی از پراکندگی راهمگی با گشت و پوست خود لمس می‌کنیم و ضرورت اتحاد در درگاهان — سون مبارزه توده‌ای به عین می‌بینیم. به ضرورت اتحاد نیروها با آید آگاهانه پاسخ داده و بطور هدفمند و با نقشه و برنامۀ برای رهبری مبارزات توده‌ها و کسب قدرت سیاسی حرکت کرد. واقعیت اینست که در شرایط کنونی هیچکدام از نیروهای انقلابی و مترقی به تنهایی قادر نیست مبارزات توده‌ها را سازماندهی کرده و رهبری کنند و تنها از طریق اتحاد نیروها و تشکیل جبهه میتوان رهبری نیرومندی برای سازماندهی مبارزات توده‌ها بوجود آورد. اگر به مسئله کسب قدرت سیاسی کسبه مسئله اساسی‌ها را انقلابی است بطور جدی می‌اندیشیم و ترجمت آن گام برمی‌داریم، باید در راستای تشکیل جبهه بطور پیگیر مبارزه کنیم. تاکنون فرصتهای بزرگی از دست رفته است، اما هنوز دیر نیست و تلاش آگاهانه و هدفمند نیروهای انقلابی و مترقی در راستای غلبه بر پراکندگی کنونی و تشکیل جبهه، میتواند این ضعف اساسی جنبش را برطرف نماید.

تکرار ساده شعارهای وحدت طلبانه کافی نیست، باید گامهای عملی و مشخصی در جهت اتحاد نیروهای انقلابی و مترقی برداشت. امروزه با سمت گیری مشخص بخشی از نیروهای مترقی و انقلابی در جهت جبهه، زمینه مساعدی برای برداشتن گامهای عملی و جدی برای اتحاد نیروها بوجود آمده است.

سازمان ما با توجه به ضرورت عینی و اهمیت مبرم اتحاد نیروهای انقلابی و مترقی در شرایط حساس کنونی و زمینه‌های مساعدی که برای تشکیل جبهه بوجود آمده است، مبارزه و تلاش پیگیر برای تشکیل جبهه را از جمله وظایف مبرم نیروهای انقلابی و مترقی بشمار آورده و در این جهت گام برمی‌دارد. در همین رابطه از فراخوان حزب دمکرات کردستان ایران برای تشکیل جبهه دمکراتیک - فدا میریالیستی استقبال میکنیم. گرچه هنوز موانع جدی و مهمی بر سر راه تشکیل جبهه وجود دارد، اما این امر نمی‌تواند و نباید موجب ظفره رفتن از یاسخگوئی بهایسن ضرورت مبرم و گام برداشتن در راستای تشکیل جبهه باشد.

دروهله نخست لازمست که ضرورت مبارزه برای تشکیل جبهه از جانب نیروهای مختلف عمیقاً درک شود و تلاش برای جلب نیروهای انقلابی و مترقی برای پذیرش این ضرورت و گام برداشتن در این جهت صورت گیرد. بحث حصول برنامۀ جبهه، ساخت جبهه، تاکتیکها، نام جبهه و غیره... در مراحل بعدی میتواند به پیش برده شود. طبیعی است که حول این مسائل بینسن نیروهای که در جهت تشکیل جبهه تلاش میکنند،

اختلاف نظر وجود داشته باشد، اما اگر هدف تشکیل جبهه‌ای حقیقتاً دمکراتیک و انقلابی برای رهبری مبارزات توده‌ها در جهت سرنگونی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی باشد، رسیدن به توافقهای اصلی حول خطوط اساسی جبهه، غیرممکن نیست. طی روند تلاش برای تشکیل جبهه، ضروری است که همکارها و اتحاد عمل بین نیروهای که در این راستا حرکت می‌کنند گسترش یابد. ایسن

حزب کمونیست ویتنام در تدارک ششمین گنگره

این روزها همه چیز در ویتنام تحت الشعاع امر تدارک برای هر چه بهتر برگزار کردن ششمین گنگره حزب کمونیست قرار دارد. حتی چهل و یکمین سالگرد اعلام جمهوری سوسیالیستی ویتنام نیز که اخیراً (روز دوم سپتامبر گذشته) در سراسر ویتنام جشن گرفته شد از این قاعده مستثنی نبوده و زیر پرچم تدارک ششمین گنگره حزب کمونیست ویتنام برپا شد. در میتینگ بزرگی که بمناسبت سالگرد اعلام بینا نگذاری جمهوری سوسیالیستی ویتنام توسط رفیق هوشی مین، در ها نوی برگزار شد، وحی کنگ عضد فترسیاسی حزب کمونیست ویتنام طی نطقی به مسائل و مباحث گنگره آینده حزب کمونیست که در اواخر دسامبر سال تشکیل خواهد شد پرداخت. وی در سخنان خود ضمن ارزیابی شرایط سیاسی و اقتصادی کشور به مسائل و مشکلات ساختمان سوسیالیسم در ویتنام و انتقاد از حزب پرداخت و یادآور شد که: " اشتباهات و کمبودها توسط کمیته مرکزی حزب کمونیست ویتنام در ژوئن گذشته آشکار شده و اقداماتی برای قرار دادن اقتصاد دروی خط صحیح به تصویب رسیده است. " کمونیستهای ویتنام از دو ماه پیش بحث بر سر اسناد مقدماتی گنگره را که در آخرین پلنوم کمیته مرکزی حزب در آورخژوئن گذشته به تصویب رسیده و در آن از عقب ماندگیها و اشتباهات حزب و مشکلات سیاسی و اقتصادی موجود به تفصیل سخن رفته، آغاز کرده و آنرا بموضوع بحث توده‌های وسیع مردم تبدیل کرده‌اند، بخش مهمی از طرح گزارش سیاسی رهبری حزب به مشکلات اقتصادی و مشکلات و کمبودهایی که از پنج سال پیش روییم انباشته شده و اکنون به موانع مهمی در راه تکامل جامعه تبدیل شده‌اند، اختصاص یافته است.

امروزه ویتنام با مشکلات اقتصادی بزرگی مواجه است. نرخ تورم طی یکسال گذشته به ۷۰۰ درصد رسیده است. افزایش سرسام آور قیمتها بیانگزانست که سیاستهای گذشته قادر به از بین بردن این پدیده منفی و اصلاح و تنظیم با بازار نبوده است. تغذیه و تامین کافی همچنان بصورت نگرانی دائمی مردم باقی مانده است، وجود "مدها هزار" بیکار در ها نوی پایتخت ویتنام که جمعیت آن دو میلیون و چهارصد هزار نفر است، نشاندهنده عمق مشکلات اقتصادی موجود است.

امرضن اینکه در پیشبرد امر مبارزه موثر مبارزات، زمینه‌های تشکیل جبهه را فراهم تر نخواهد کرد. ما از کلیه نیروهای انقلابی و مترقی دعوت می‌کنیم که با موضع گیری صریح درباره ضرورت مبرم مبارزه برای تشکیل جبهه، بطور جدی و پیگیر در راستای تشکیل جبهه حرکت کنند. پیش بسوی تشکیل جبهه!

بیشرفت رفرمهای اقتصادی در زمینه استقلال واحدها، تجدید و نوسازی دربرنامه ریزی و بطور کلی دموکراتیزه کردن زندگی اقتصادی سیاسی و اجتماعی به سختی تحقق می‌یابند. تجدید و جایگزینی شیوه‌های جدید کارهای روئهای قدیمی و براتیک کهنه به کندی صورت می‌گیرد. اکنون رهبران حزب در سطوح مختلف به اشتقاد از خود پرداخته و بر نقش منفی بوروکراسی، عدم اقدامات موثر در برابر پدیده نگران کننده "تنزل معنوی"، عدم صلاحیت کاردهندگان، بی انضباطی در کار و عدم رعایت قوانین تاکید می‌کنند. شماری از رهبران از کمیته‌های محلی گرفته تا کمیته‌های حزبی شهرها از مقام خسود برکنار شده و جای خود را به کارهای جوانتر و دارای ابتکار عمل و برخورد آرازا عتقاد توده‌ای می‌دهند.

با آغاز زبجتهای تدارکاتی گنگره، مطبوعات ویتنام تعداد زیادی از صفحات خود را به اظیانظر مردم اختصاص داده‌اند تا آنان بتوانند خطاب به گنگره حزب کمونیست ویتنام نظرات خود را بیان کنند. در نظرات گوناگون مردم که در مطبوعات انعکاس می‌یابد، بیش از هر چیز مسئله ضرورت مبارزه علیه بوروکراسی و برای تولید بیشتر و تکامل ساختمان سوسیالیسم در ویتنام مطرح است. گفته میشود که تورم پرسنل در بخش خدمات در بسیاری از موازادحتی به ۵۰ درصد مجموعه کارکنان میرسد و تعداد زیادی از مدیران و سرپرستان فاقد توان تخصصی و حرفه‌ای لازم هستند. تولید انرژی و بویژه تولید برق در سطح نازل و قراردار دوپایسخگوی نیازهای رویشد واحدها و موسسات نیست و این امر مانع مهمی در راه افزایش تولید و تکامل اقتصادی جامعه بشمار میرود.

اما همانگونه که در اسناد مقدماتی گنگره حزب آمده، انتقاد از خود را کنار گذاشته و مسئولین حزبی و آشکار کردن نقائص، انحرافات و پدیده‌های منفی نباید بمفهوم نادیده گرفتن وحی توجهی به پیشرفت‌های ویتنام در تمام زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و فرهنگی باشد. در پنج سال گذشته آهنگ توسعه تولیدات صنعتی ۱۰/۵٪ بوده و برای نخستین بار محصولات صنعتی بسیاری با کیفیت و بمیزان کافی تولید شده است.

بررسی یکسال فعالیت نشریه

بقیه از صفحه ۱

نقش ارگان را به مثابه مبلغ، مروج و سازماندهنده جمعی در مجموعه فعالیت‌های خود تثبیت نمائیم. پس از سبوری شدن یکسال لازمست که فعالیت‌های نشریه مورد بررسی عینی و انتقادی قرار گرفته و نقاط قوت و ضعف آن ارزیابی شود، تا مشخص گردد نشریه در انجام کدام وظایف موفق بوده و توانسته است بدرستی عمل کند و از چه نقاط ضعفی برخوردار بوده است. این بررسی به ما امکان میدهد که در دو مین سال انتشار ارگان، با شناخت ضعفها و نقاط قوت نشریه در جهت برطرف نمودن این ضعفها و نقاط ضعف حرکت کرده و از طریق اصلاح شیوه‌های کار و طرح صحیح انتقادات و نقش و عملکرد نشریه را ارتقاء دهیم. این بررسی در عین حال پاسخ به انتقادات و پیشنهادهای است که بطرق مختلف، از گمانه‌های تشکیلاتی و یا نامه به نشریه ارسال شده است. گرچه در یکسال گذشته در اغلب موارد پیشنهادهای و نظرات انتقادی دریافت شده را بطور جداگانه مورد بررسی قرار داده و نظر خود را در هر موردی به رفقای انتقاد کننده ارائه کرده ایم و در اکثر موارد انتقادات و پیشنهادهای درست و اصولی بوده و ما آنها را پذیرفته ایم، اما یک جمع بندی عمومی از آنها ارائه نگردیده بودیم که اینک به آن می پردازیم.

بررسی فعالیت نشریه در یکسال گذشته، در وهله نخست نشان میدهد که انتشار ارگان، گام مهمی در پیشبرد فعالیت سیاسی و تشکیلاتی سازمان بوده است. هر چند داده‌های منبسط و توزیع نشریه محدود بود ولی با این وجود، انتشار منظم نشریه، در ترویج و تبلیغ مواضع سازمان و گسترش ارتباطات با یگان توانست نقش بسیار موفقی ایفا نماید. بخش قابل توجهی از افراد و نیروها پس از مطالعه ارگان سازمان، به مطالعه برنامهموشی تمایل یافتند و انتشار ارگان، زمینه ترویج و پیشبرد انقلابی سازمان را به میزان قابل توجهی گسترش داد.

نشریه طی مدت یکسال فعالیت خود، با برخورداری واقع بینانه، متین و منطقی، ارائه خط مشی روشن و مشخص و مرز بندی صحیح و اصولی با انحرافات مختلف در جنبش، توانست راه خود را هموار کرده و بعنوان پرچم برنامهموشی معینی در جنبش هویت خود را تثبیت نماید. نامه‌ها و نظرات متعددی که نشریه طی یکسال گذشته دریافت کرده است، عموماً برای جنبه‌های مثبت تأکید داشته‌اند.

داشتن هویت ایدئولوژیک مشخص، استکاء مواضع ایدئولوژیک و سیاسی روشن و صریح، فراراه قرار دادن برنامه‌های منسجم، اعتقاد عمیق به مبارزه جدی و مسئولانه برای تثبیت مشی و برنامه‌های رکیستی - لنینیستی انقلابی در جنبش، توأم با دورنگری سیاسی، به ما امکان داد که بدون از فرمت طلبیها و نوسانهای لحظسسه‌ای، بدون دچار شدن به پراگماتیسم و درگیر شدن در مجادلات سطحی، خط مشی روشن و هدفمندی را در نشریه دنبال کنیم.

تجربه عملی یکسال گذشته صحت نتیجه گیری ما را از فعالیت‌های گذشته به اثبات رساند که: "تنها در صورت داشتن حدود صریحاً مشخص ایدئولوژیک و تدوین برنامه موشی روشن و منسجم قادر خواهیم بود، راستاً و خط معینی را در نشریه پیش برده و از نوسانهای لحظه‌ای اجتناب ورزیم." در حقیقت خط روشن و جهت مشخص فعالیت نشریه، انعکاس و محصول تلاش‌های گذشته ما در تدوین برنامه موشی مشخص بر بنیادهای ایدئولوژیک و سیاسی بود که به ما امکان داد خط مشی را در یکسال گذشته و از "چپ" و راست زدن، نوسانهای لحظه‌ای و اراشه‌تخلیلهای التقاتلی و فوئونیقیض پرهیز کنیم. فشار راست و "چپ" وجود موجود لحظه‌ای ما را به مطحظ طلبی و اجتناب از موضعگیری روشن و بیان آشکار و صریح نظرات و مواضع ما منسوق نداد و استحکام ایدئولوژیک سازمان به ما امکان داد که بدون اینکه تسلیم جو موجود بشویم، در قبال گرهی ترین مسائل موجود در عرصه ملی و بین المللی، مواضع اصولی، روشن و صریحی در نشریه اتخاذ کنیم. بین ثنوری، سیاست و براتیک ما پیوند تنگ دیا لکتیکی وجود داشت.

فعالیت نشریه طی یکسال گذشته توانست تا اثبات معینی را در راستای تثبیت برنامه موشی ما رکیستی لنینیستی انقلابی در جنبش و تقویت گرایش به آن را بر جای گذارد. نشریه طی این مدت علیرغم نقاط قوت برجسته فوق از ضعفها و نقایص جدی نیز برخوردار بود که به مهمترین آنها اشاره می کنیم.

از ضعفهای مهم نشریه فقدان حساسیت لازم در قبال رویدادهای سیاسی داخلی و بین المللی و عدم تمرکز کافی حول مسائل گرهی سیاسی بوده است. در مورد درج اخبار داخلی و بین المللی نشریه بی توجهی کاملی از خود نشان داده است. در یکسال گذشته محور تبلیغی نشریه با یحصول مبارزه علیه جنگ و جنگ طلبی رژیم جمهوری اسلامی و تبلیغ صلح متمرکز می گردید. صلح مبرمترین خواست توده‌های مردم در شرایط کنونی است و بهمین دلیل نیز محور اصلی تبلیغ حول ایسسن مسئله می بایست قرار می گرفت. در نشریه گرچه بطور مرتب مقالاتی در رابطه با جنگ و تحلیل آن درج شده و خواست صلح تبلیغ شده است، اما عملاً این موضوع به محور اصلی تبلیغی نشریه تبدیل نشده بود. در رابطه با تحلیل و توضیح تفاذهای درونی حاکمیت نیز نشریه کم کاری کرده است و بجز یکی دو مقاله در مقطع انتخاب دولت که ما هستیم این درگیریها را مشخص میساخت، مطلبی در این مورد در نشریه درج نشده است. کافی نبود که نشریه فقط ماهیت این درگیریها را مشخص سازد، بلکه لازم بود که در عین حال این درگیریها کدام در عرصه‌های مختلف مورد بررسی قرار گیرد. نشریه همچنین طی این دوره به افشاء لیبرالها و اپوزیسیون فائونی رژیم (امثال بازرگانها و) که فعالیت آنها در آینده خط بکجراه کشیده شدن

جنبش توده‌ای و محدود کردن مبارزات توده‌ها در چارچوب رژیم جمهوری اسلامی را در سرسردار، نبرداخته است. بطور کلی در مجموع میتوان گفت با تبلیغی و افشاگرانه نشریه ضعف بوده است. از دیگر ضعفهای نشریه، فقدان شعارهای مبرم روز بوده است. طرح خواسته‌های مبرم و فوری توده‌ها بصورت شعارهایی که بتوانند مبارزات توده‌ها را حول این خواسته‌ها گسترش داده، یکپارچه کرده و ارتقاء دهد در هر مرحله‌ای از اهمیت بسیاری برخوردار است. مشخص نبودن این خواسته‌ها و شعارها امر تبلیغ را در نشریه از داشتن جهتت کلامی و تئوریک و تا شریخی در توده‌ها ضعیف میساخت البته این ضعف مختص نشریه نبود، بلکه در مجموعه فعالیت سازمان وجود داشت. در دوره قبل سازمان هنوز شعاری را که بیان کننده خواسته‌های مبرم توده‌ها باشد بدقت تعیین نگردیده بود. در رابطه با جنگ شعار صلح تبلیغ می شد، بر آزادی تأکید می گردید و فلاکت ناشی از بیکاری عظیم و وحشتناک در جامعه توضیح داده میشد، اما خواست صلح، آزادی و کار بصورت شعار مبرمترین خواست توده‌ها، بدقت مشخص نشده بود. اکنون با توجه به وضعیت سیاسی جامعه و خواست مبرم توده‌ها که حول صلح، آزادی و کار متمرکز است، شعار صلح، آزادی و کار بعنوان شعار تبلیغی روز تعیین گشته و بطور ثابت در نشریه تبلیغ خواهد شد و محور تبلیغی نشریه قرار خواهد گرفت. در رابطه با مبارزات ملی - دمکراتیک خلق کرد نیز گرچه نشریه همواره فعالیت بوده و بطور مرتب اخبار رویا مقالاتی در رابطه با جنبش مقاومت خلق کرد و تحلیل مسائل گرهی آن درج نموده و بر شعار "حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست" تأکید کرده است و در نخستین شماره، طرحی برای خودمختاری خلق کرد ارائه شده است، اما در این مورد نیز نشریه فاقد شعار مبرم روز و بیان کننده خواسته‌های مبرم توده‌های خلق کرد بود که در این رابطه شعار "پیروزی مبارزه خلق کرد برای آزادی و خودمختاری" تعیین شده که در نشریه تبلیغ خواهد شد.

در زمینه مرز بندی با انحرافات مختلفاً "چپ" و راست نشریه بحد کافی فعال نبوده است. نشریه توانست با عمده ترین انحرافات چپ و راست، حول اساسی ترین مسائل مرز بندی‌های روشنی ترسیم کند، اما علاوه بر آن ضروری بود که نشریه بطور مداوم برخورد و مبارزه ایدئولوژیک فعالی حول مسائل مختلف با عمده ترین انحرافات پیش می برد. کافی نیست که در یک یا دو شماره با هر انحرافی مرز بندی شود، بلکه باید بطور مستمر و در تمام عرصه‌ها به انحرافات برخورد فعالی صورت گیرد. از این گذشته نشریه نتوانست با تمام جریانات انحرافی و گرایش‌های التقاتلی حول اساسی ترین مسائل مبارزه ایدئولوژیک همه جا نبه‌ای را پیش ببرد و مرز بندیها را ایدئولوژیک و سیاسی را هر چه روشن تر ترسیم کند. این مسئله در نامه‌های خوانندگان نشریه بدین صورت منعکس

خلق شیلی پیرو است

بقیه از صفحه ۱

"سوی مردم تلخ نکنید!" بوفور به چشم می خورد. همه چیز حاکی از آنست که جنبش توده‌های در شیلی بیش از پیش در موضع تهاجمی قرار می گیرد. اشکال مبارزه توده‌ها در برابر سرکوب‌های فاشیستی رژیم حاکم ارتقاء و تکامل می یابد. مردم شیلی در کوران مبارزه عملی و تجربه عینی درمی یابند که دیگر شیوه‌های قدیمی مبارزه نظیر قاطعیت، آتش زدن لائیک و سلا پرتاب سنگ بسوی نیروهای سرکوبگر که معمولاً در جریان تظاهرات و راهپیمایی‌ها و یا اعتصابات رخ می‌دهد، تنها کافی فادتا نیرو کار را نسی لازم است.

پاسخ مثبت توده‌های وسیع مردم به دعوت و فراخوان سازمانها و احزاب پیشرو، برای برپائی اعتصابات عمومی و اعتراضات ملی، نشان آنست که توده‌ها دیگر حاضر به قبول بردگی الیگاشی فاشیستی که در اس آن ژنرال بپنوشه وهم - داستان وی قرار دارند، نبوده و مبارزه را تنها سرنگونی رژیم شکنج ژنرالها و پیروزی نهائی ادامه خواهند داد.

رژیم بپنوشه علیرغم آنکه روز بروز به اشکال خشن تر و وحشیانه تر سرکوب روی می آورد، اما قادر به سرکوب توده میلیونی مردم که با شعار "بپنوشه بیرون!"، "مرگ بر بپنوشه!" به خیابانها ریخته و رژیم حاکم را نفی میکنند، نیست. مردم در مقابل رگبار مسلسلها و توب و تانک رژیم نه تنها عقب نشینی نکرده و هراس به دل راه نمی دهند، بلکه در پیشبرد مبارزه عادلانه شان مصمم ترمی گردند. بیپنوشه نیست که حتی برقراری حکومت نظامی و حالت فوق العاده و گشتار و بگیر و ببندهای وسیع نیز که به دنبال اقدام برای ترور بپنوشه در آستانه سیزدهمین سالگرد کودتای وی صورت گرفت، نتوانست مردم را به خانه‌های خود با زگرداند. امروزه رژیم دیگر توری نظامی در شیلی برای خفه کردن جنبش انقلابی از هیچ اقدام وحشیانه‌ای رویگردان نیست. بازداشت‌های دستجمعی مردم بویژه در محلات کارگری و فقیرنشین و با زوجی و شکنجه‌های سیستماتیک دستگیرشدگان، خانه‌گردیهای وسیع در محلات مختلف با دورا و ولین روزهای استقرار حکومت کودتاگران در شیلی است. فعالیست گروههای فاشیستی موسوم به "جوخه‌های مرگ" بطرز باورنکردنی با لاکرته است. فاشیستهای حاکم که بتل مختلف قادی به تصویب و اجرائی قانون اعدام نبوده اند با سازماندهی عناصر مزدور و ایجاد "جوخه مرگ" به ریودن، شکنجه و ترور نیروهای مترقی و انقلابی دست میزنند. بنا به گزارشی که سازمان عفو بین الملل در اوائل سپتامبر تحت عنوان "فعالیتهای مخفی و غیر قانونی نیروهای امنیتی" انتشار داد، شکنجه‌گران و پلیس سیاسی بپنوشه به سرکوبیهای آشکارا کتفا نکرده و در چهره‌های میدل هس روز بیشتر در "جوخه‌های مرگ" به شکنجه و اعدام ساکنین محلات فقیرنشین، اعضای احزاب اپوزیسیون و مدافعین حقوق بشر مبادرت میکنند.

در رابطه با نیروهای اپوزیسیون اکنون مدتهاست که در برابر رژیم بپنوشه دو آلترناتیو اصلی شکل گرفته است که در میان توده‌ها از نفوذ قابل توجهی برخوردارند. دریکسو "جنبش دمکراتیک خلق" متشکل از نیروهای انقلابی و ترقیخواه یعنی حزب کمونیست شیلی، سازمان میر، جناح چپ سوسیالیستها و در سوی دیگر "اتحاد دمکراتیک" متشکل از نیروهای بورژوا-لیبرال یعنی حزب سوسیالیست، دمکرات - مسیحی‌ها، جمهوریخواهان راست و "رادیکالها" قرار دارند. نیروی اول یعنی "جنبش دمکراتیک خلق" خواهان سرنگونی رژیم بپنوشه به شیوه‌های انقلابی، برپائی حکومت انقلابی موقت، تشکیل مجلس موسسان و پیشبرد یک برنامهدفء امپریالیستی دمکراتیک است، حال آنکه نیروی دوم یعنی "اتحاد دمکراتیک" خواهان برکناری نظامیان از حکومت، اجرای انتخابات آزاد و انجام پاره‌ای اصلاحات بورژوا-لیبرالی بوده و بنیاد فعالیتها خود را بر اقدامات قانونی و مسالمت آمیز قرار داده است. این نیرو در تبلیغات خود با محکوم کردن رژیم بپنوشه و "جنبش دمکراتیک خلق" هر دو را به یکسان و متمم کردن آنان به میدان دادن و "گسترش زمینه‌های" خشونت تلاش می کند تا رهبری هژمونیک جنبش را بدست گرفته و بنا به مهار کردن و جلوگیری از رادیکالیزه شدن جنبش توده‌ای نظر محافظ امپریالیستی و بویژه امپریالیسم آمریکا را برای اشغال آرام و مسالمت آمیز قدرت بدست خود جلب کند.

در مقابل، "جنبش دمکراتیک خلق" که ورزنده اصلی آنرا کمونیستها تشکیل میدهند می کوشد تا با شرکت همه جانبه در مبارزه علیه رژیم، تشدید فعالیت توده‌ها و قرار گرفتن در اس جنبش انقلابی از نفوذ فلج کننده بورژوازی لیبرال در میان توده‌ها جلوگیری کرده و وی را با بدنبال روی از جنبش واداشته و با ایزوله و از جنبش طرد کند. کمونیستها و نیروهای انقلابی شیلی در تجربه عملی روزمره مبارزه توده‌ها نشان میدهند که قهر از جانب رژیم فاشیستی بپنوشه به جنبش انقلابی تحمیل شده و اتهامات و افتراهای لیبرالهای به اصطلاح "معتدل" در مورد گسترش زمینه‌های "خشونت در واقع و عمل" به "گسترش زمینه‌های" حفظ دیکتاتور می‌گردد. استراتژی سرنگونی رژیم بپنوشه از طریق سازماندهی طبقه کارگر و وسیع تمام خلق و متحد کردن همه احزاب و سازمانهای انقلابی و دمکراتیک از یکسو و با نفوذ گشادن بورژوازی لیبرال از سوی دیگر، استراتژی کمونیستهای شیلی است که در صورت تحقق، انقلاب دمکراتیک توده‌ای شیلی به پیروزی رسیده و راه تکامل نویسی در برابر اجرامه و مردم شیلی گشوده خواهد شد.

خلق شیلی پیرو است!

بپنوشه سرنگون است!

تدارک حمله بزرگ و

تناقضات رژیم

بقیه از صفحه ۱

می کند. این تناقض حتی در سخنان استراتژیها و طراحان نظامی رژیم نیز کاملاً مشهود است! سرهنگ حسین حسینی امدی فرمانده نیروی زمینی طی مصاحبه‌ای که در کیهان مورخ ۲۹ شهریور به چاپ رسید، گفت: "رزمندگان اسلام برای حمله در آمادگی کامل بسر می‌برند و هیچ کمبودی برای حمله سرنوشت ساز وجود ندارد و با فرماندهان سده کل قوا سر تا سرجه‌های نور علیه ظلمت را بر علیه کفر جهانی در هم خواهیم کوبید. (!؟) ابتکار عمل در دست ما است و با توجه به سال سرنوشت ساز هم اکنون در جهت این هدف و در بهترین موقعیت قرار گرفته ایم و خوشبختانه وحدت نیروهای اسلام بسیار منسجم و افتخار آفرین است." اما هنوز چهار روز از این اظهارات نگذشته بود که صیاد شیرازی در هفته جنگ و نماز جمعه تهران به تاریخ ۴ مهر ماه برای توجیه بین بست جنگ گفت: "هیچ پیروزی و موفقیت نظامی در چشم انداز جنگ برای این رژیم وجود ندارد. وقتی ما از پیروزی صحبت می کنیم منظور آن پیروزی نیست که دیگران حساب می کنند، بلکه پیروزی در ذهن ما استقامت در راه حق و با یاری در خط ولایت است. نصرت و پیروزی مادر دست خداست و زمانش هم دست خداست. پس نباید شایم در بین خود شایع کنیم و یک جور تبعیض و تفسیر کنیم که همه چیز تا پایان سال ۶۵ تمام می شود." این واقیعت انکارناپذیر است که در رابطه با جنگ، رژیم در بین بست سیاسی - نظامی قرار دارد. از لحاظ سیاسی، رژیم برای ادامه جنگ در ضعیف ترین موقعیت ممکن در شش سال گذشته بسر میبرد. صدای اعتراض علیه سیاست جنگ طلبانه رژیم هم در عرصه ملی و هم در صحنه بین المللی بیش از پیش بلند تر و سارتر می گسرد. و این در شرایطی است که تضادهای درونی رژیم آنچنان حدت یافته که جناحهای حاکم آشکارا در ارگانهای وابسته بخود سیل خصمانه ترین دشمنان را بسوی یکدیگر جاری کرده اند.

در حال "حمله نهائی" رژیم چنانچه عملی کرده اند اثرات سیاسی بس مهمی بر سیر بعدی حوادث خواهد گذاشت. اگر این حمله با تلفات عظیمی که بدنبال خواهد داشت صرفاً به تغییراتی جزئی در خطوط جبهه منجر گردد، این امر شکست بزرگی برای جمهوری اسلامی محسوب خواهد شد و این پروسه با گرفتن جنبش انقلابی را تسریع و شکاف بین جناحهای رژیم را عمیق تر خواهد کرد.

سالگرد انقلاب کبیراکتبر

روز ۲۵ اکتبر، طبقه کارگر مردم شوروی شصت و نهمین سالگرد پیروزی انقلاب سوسیالیستی اکتبر را جشن می گیرند؛ شصت و نه سال پیش با گرد آمدن زحمتکشان شوروی پیرامون طبقه کارگر، انقلاب سوسیالیستی اکتبر برهبری حزب بلشویک و در رأس آن لنین به پیروزی رسید و برای نخستین بار در تاریخ جهان یک دولست دیکتاتوری پرولتاریا در صحنه بین المللی ظاهر و مستقر گردید.

این پیروزی دوران سلاطین طبقه کارگر جرجش بزرگی در تاریخ تکامل جهان و تغییر مهمی در صف آرایی نیروهای انقلاب و ارتجاع در عرصه بین المللی ایجا د کرد. انقلاب اکتبر آغاز دوران تاریخی جدید یعنی دوران گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم بود.

دیکتاتوری پرولتاریا، با درهم شکستن مفاومت فدا انقلاب داخلی و دخالتهای مسلحانه قدرتهای امپریالیستی در شرایطی که در محاصره سرمایه داری جهانی قرار داشت، قدرت خود را تحکیم و تثبیت کرده و چشم اندازهای روشن جدیدی را در برابرشما می کارگران و زحمتکشان جهان گشود.

حزب کمونیست اتحاد شوروی با تکیه بر نیرو و شور و شوق عظیمی که پیروزیهای انقلاب در بین زحمتکشان کشور برانگیخته بود، بر محرومیتها و عقب ماندگیهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی فاش و آموختنوا نیست با خنثی کردن آنها جبهات اپورتونیستهای راست و "چپ" و تحکیم وحدت سیاسی - ایدئولوژیک و تشکیلاتی خود، ساختمان جامعه سوسیالیستی را با وفاداری به اصول مارکسیسم - لنینیسم به پیش برد. طی بروسهای نسبتا کوتاه، زمینها، کارخانجات، بانکها ملی شد، مالکیت سوسیالیستی بر وسایل اصلی تولید به شکل عمده مالکیت تبدیل گردید. سرمایه داری با همه موانع و مبادی اقتصادی سیاسی سوسیالیستی شروع شد.

رشد سریع و پربنا مهربزی شده اقتصادی، اتحاد شوروی را در فاصله کوتاهی از یک کشور عقب مانده به یک قدرت اقتصادی بزرگ تبدیل کرد. در نتیجه پیروزی انقلاب سوسیالیستی، عرصه های وسیعی برای رشد و شکوفایی نیروهای خلاق و بالنده جامعه گشوده شده بود.

با شرکت همه ملیتهای ساکن روسیه در حاکمیت جدید پرولتری و تشکیل یک دولت چند ملیتی مسئله ملی یعنی نابرابری و ستم ملی یکبار برای همیشه حل شد. دولت جدید محسوس اتحاد آذادانه، دا و طلبانه و برابر ملل مختلف بود. با محو ستم ملی و آغا زکمت و همیاری متقابل ملل مختلف روسیه این امر که تنها در سوسیالیسم است که مسئله ملی به انقلابی تزیین و عادلانه ترین شکل خود حل می گردد بطور عینی به ثبوت رسید.

در نتیجه از بین رفتن مالکیت خصوصی و محو استعمار انسان از انسان و تثبیت اصل " از هر کس با اندازه توانش، بهر کس با اندازه

کارش"، پرولتاریا شوروی وظائف دشوار دوران انتقال از سرمایه داری به سوسیالیسم را با موفقیت با انجام رساند.

وقوع جنگ جهانی دوم حزب کمونیست دولت اتحاد شوروی را با تجربه جنگ کبیر میهنی مواجه ساخت. بیروزی بر فاشیسم کرچه به میهای بسیار سنگینی بدست آمد، اما قهرمانان سوسیالیستی نظیر مردم شوروی و ارتش سرخ به شش اتحاد شوروی در مبارزه علیه نیروهای امپریالیستی و ارتجاعی اعتبار عظیمی بخشید. شکست فاشیسم شرایط و امکانات جدیدی را در مبارزه خلقهای جهان و بویژه خلقهای اروپا و خاور دور در راه آزادی ملی، دمکراسی و سوسیالیسم ایجا د کرد. جنگ جهانی دوم در شرایطی پشت سر گذاشته شد که سوسیالیسم در شوروی بطور قطعی و بازگشتناپذیر به پیروزی رسید و پیروزی انقلابات در یک رشته از کشورهای اروپائی و چین سوسیالیسم را به یک سیستم جهانی وسیع عامل قاطع در تحولات بین المللی تبدیل کرد. از آن پس، وظائف تکامل سوسیالیسم، ورود به مرحله سوسیالیسم پیشرفته و تکامل در جهت فاعالی سوسیالیستی یعنی کمونیسم در پیش روبرو گرفت. با التیام بخشیدن به زخمهای عمیق ناشی از جنگ و تجدید قوا، اتحاد شوروی سرعت گامهای بزرگی در عرصه های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جلو برداشت. صنعت و کشاورزی سرعت رشد کرده و سطح زندگی مادی و معنوی مردم بنحوقا بلل ملاحظه ای ارتقا یافت. سوسیالیسم در شوروی در تمامی زمینه های علمی، آموزشی و فنی به پیشرفتهای بزرگی دست یافت.

لکن پیشرفت و تکامل ساختمان سوسیالیسم در شوروی بی عیب و نقص و مصون از اختیاهات و انحرافات حزب و کج رویهای دولت شوروی نبوده است. اکنون در شصت و نهمین سالگرد پیروزی انقلاب اکتبر، شناخت مبارزه ریشه ای با این انحرافات، تحریک بخشیدن به پیشرفت های سوسیالیسم و تکامل دمکراسی سوسیالیستی به مسئله محوری و مرکزی جامعه شوروی تبدیل شده است. بروسه اعتقاد از خود، تغییر شیوه های کار حزب و مبارزه علیه بوروکراسی که از یکسال و نیم پیش آغا زده بود در بیست و هفتمین کنگره حزب مورد تأکید و پیشتیبانی وسیع نمایندگان قرار گرفت. در این کنگره برنا مه پنج ساله آینده و اهداف عمومی حزب تا سال ۲۰۵۰ به تصویب رسید. بی شک تحقق این اهداف نقش بس مهمی در آینده سوسیالیسم در شوروی و در کل تحولات بین المللی ایفا خواهد کرد.

روندا نتقا دوانتقا دا از خود مبارزه علیه مظاهر گوناگون بوروکراسی، عادات کهنه و روحیات خرده بورژوازی بیش از پیش دامنه وسیعتری بخود گرفته و عرصه های گوناگون زندگی اجتماعی مردم شوروی را در بر میگیرد. بموازات این امر نیروهای محافظه کار و عواما مل ترمزکننده نیز میکوشند تا تحت پوششهای جدید و ضمن همراهی لفظی حتی الامکان از پیشرفت عملی این مبارزه جلو گیری کنند. گسترش نقش توده ها و ارگانهای توده ای در

اداره امور ارتقا، ابتکارات و خلاقیتها توده ها شرط موفقیتهای واقعی در این مبارزه است بدون تکامل دمکراسی سوسیالیستی و بسیج همه جانبه طبقه کارگر و توده های زحمتکش و بدون پیشبرد هماهنگ و همزمان مبارزه در عرصه های اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیک نمیتوان به نتایج مثبت و موثری دست یافت.

از پایان بیست و هفتمین کنگره تا کنون تولید صنعتی در مقایسه با دوره مشابه در سال قبل بیش از ۵۷٪ رشد کرده است. اما همانطور که همه با چشمدیبرکل حزب کمونیست در آخرین نشست بلنوم کمیته مرکزی اعلام کرد: " امروز اصل اینست که این آهنگ رشد را هنوز با یدتشدید کرد. و " چنانچه ما نقاط ضعفمان را مشخص نکنیم موفق نخواهیم شد. " چرخش بسوی کیفیت، اثر بخشی و متدهای جدید مدیریت بشکل دشوار و دردآوری صورت میگیرد. اما کمیته مرکزی حزب این خط را با قاطعیت دنبال خواهد کرد. وی در قسمت دیگری از سخنان خود گفت: " پارهای از رهبران بیابنیه های عریض و طولی در باره روشن بینسی ما در کرده و خوب در باره کلکیتوها و تکامل اصول دمکراتیک در زندگی داد سخن میدهند اما بدبختی اینست که همه چیز همینجا خاتمه می یابد. این چنین است که توهم نسبت به تجدید ساختمان ایجاد می شود. در حرف همه چیز روبرو است اما هیچ تغییر واقعی صورت نمی گیرد. نتیجه اینست تجدید ساختمان جامعه را به جایش نمی برد. " گوربا چف با تکیه بر مثالهای، بوروکراسی را " خواهر دشمن دولوی روشهای اداری" و " دشمن سوگند خورده شرکت وسیع توده ها در اداره امور" شمرده و آنرا بارها بشدت مورد حمله قرار داده و بر ضرورت بسیج طبقه کارگر و مردم شوروی برای مبارزه با آن تاکید کرده است.

بموازات تحولات داخلی شوروی، در سیاست خارجی - بمشابه عنصر جدائی نا پذیر سیاست داخلی اتحاد شوروی نیز تغییرات مهمی رخ داده است. این تغییرات بویژه در رابطه با مبارزه در راه صلح بین المللی و خلق سلاح استراتژیک اهمیت بزرگی کسب کرده است. پیشتیبانات و ابتکارات جدید حزب کمونیست و دولت شوروی مبنی بر توقف آزمایشهای هسته ای، عدم گسترش و سپس کاهش و نابودی سلاحهای هسته ای تا پایان سال ۲۰۵۰ - بیش از پیش مانورهای امپریالیسم و بویژه امپریالیسم آمریکا را برای انحراف و فریب افکار عمومی جهان خنثی و نیروهای بیشتری را در جهت مبارزه برای تأمین صلح با یدار جهانی بسیج و به حرکت در می آورد.

کسب موفقیت در پیشبرد این سیاست و مجبور کردن امپریالیسم به عقب نشینی نه تنها به نفع تمامی خلقهای جهان بوده و بشریت را از خطریک جنگ نا بودکننده نجات میدهد بلکه اتحاد شوروی را در رسیدن به اهداف بزرگی که در بیست و هفتمین کنگره حزب تعیین شده توانا ترمی کند. زیرا تکامل ساختمان سوسیالیسم و پیشرفت بسوی کمونیسم بدون تأمین شرایط خارجی آن یعنی تأمین صلح با یدار بین المللی امکان پذیر نیست.

حلقه اصلی در وحدت مارکسیست لنینیستها

بقیه از صفحه ۱

خواهند نمود و از سوی دیگر تداوم بحران کنونی و پراکندگی نیروهای چپ تا ثیرات منفی وسیعی بر سازمانیابی طبقه کارگر برجای گذارده و در تندبچه‌های مبارزه طبقاتی ضربات جدی برجایش کارگری وارد خواهد آورد. تجربه انقلاب بهمن و مبارزات سالهای اخیر نشان داد که چگونه شکست و پراکندگی، سردرگمی و انحرافات نیروهای چپ میتوانند منشاء ضربات جدی برجایش کارگری باشد. امروزه این حقیقت آنچنان روشن و آشکار است که بجز معدود تشکلهای چپ که بدلیلی انحرافات عمیق، سکتاریسم و خود محور بینی شدید خرده بورژوازی، خود را محور جیش پنداشته و آنچنان در پبله ذهنیگرائی مفرط اسیرند که گمان می برند آنچنان قدرت و توان سیاسی تشکیلاتی و اعتبار و نفوذ توده‌ای در میان کارگران و توده‌های زحمتکش برخوردارند که خواهند توانست یک تنه میلیونها کارگر را حول خود بسیج کرده و "همونی پرولتاریا" را در جیش اعمال کنند، اغلب نیروهای چپ، به ضعف ناشی از تفرقه و پراکندگی نیروهای مارکسیست - لنینیست آگاه بوده و به اشخاص مختلف در جهت فاش شدن بحران و پراکندگی کنونی تلاش و فعالیت میکنند و در این رابطه طرحهایی نیز ارائه می دهند. اما مسئله اساسی و گرهی اینست که؛ چگونه میتوان بر پراکندگی و بحران غلبه کرد؟ از کجا باید آغاز کرد؟ و وحدت مارکسیست - لنینیستهای انقلابی را بر چه پایهای باید استوار ساخت؟ چگونه با سخگوشی به این مسئله در حقیقت جزئی از راه حل غلبه بر بحران جنبش کمونیستی نیست محسوب میشود.

بررسی روند عینی جنبش چپ در ایران نشان میدهد، که گروه بندیهای مختلف چپ در آستانه اعتلا انقلابی سال ۶۶ اساسا گروه بندیهای روشن فکری بودند که پیوند مستحکمی با طبقه کارگر و توده‌های زحمتکش نداشتند. ترکیب عمدتاً روشنفکری نیروهای چپ و فقدان پیوند محکم با جنبش طبقه کارگر، زمینه مناسبی را برای نفوذ و تسلط انواع و اقسام مشی‌های التقاطی و انحرافی و اپورتونیستی و ایدئولوژیهای غیر پرولتاری و ایچا دگروه بندیهای فرقه گرایانه روشنفکری، فراهم آورده بود.

رشد و گسترش جنبش توده‌ای انقلابی و اوج گیری جنبش طبقه کارگر در بطن آن، بستر عینی مناسبی برای رشد و گسترش نیروهای چپ و ایجاد پیوندی با توده‌ها و طبقه کارگر بوجود آورد، در خلال رشد جنبش انقلابی، انقلاب بهمن و شرایطی با لنینیسم دمکراتیک پس از قیام، گروه بندیهای چپ بدرجات متفاوت توانستند، بخشی از توده‌ها و کارگران را بسمت خود جلب نمایند. در آن شرایط مسا عدگروه بندیهای جدیدی بوجود آمده و گروه بندیهای گذشته افاغ شده‌اند. در میان نیروهای چپ تنها جریانی که توانست بخشی از توده‌ها و کارگران پیشرو را بسمت خود جلب کرده و به نیروی توده‌ای سراسری تبدیل شود، سازمان فدائی بود.

مبارزه فداکارانه چندین ساله در برابر رژیم مونا رگوا شیمیتی شاه، برخوردار از زشکل و نیروی نسبی، شرکت در قیام بهمن، دمکراتیسم مادقانه، انقلابی و رزمجویانه علیرغم التقاط ایدئولوژیک و فقدان حدود صریحا مشخص ایدئولوژیک و برنامهموشی تدوین یافته، دچار بودن به انحرافات آنارشیستی - سکتاریستی، درک عموم خلقی و ناسیونالیسم خرده بورژوازی به جریان فداشی مکان داد تا بر زمینه جنبش انقلابی دمکراتیک رشد و گسترش سریعی بکند.

انقلاب بهمن، ضمن فراهم آوردن زمینه‌های مناسب برای رشد تشکلهای چپ، ضعفها و انحرافات آنها را نیز بطور برجسته‌ای آشکار ساخت.

کشیده شدن توده‌های وسیع به مبارزه سیاسی مبارزه آشکار طبقاتی و مشخص شدن صف بندیهای طبقاتی، زمینه‌های عینی مناسبی برای تشکیل طبقات و اقشار جامعه، از جمله طبقه کارگر بوجود آورد. انعکاس این شرایط عینی در تشکلهای مختلف چپ بصورت تسریع روند شکل گیری گرایشها و جریانات، صف بندیهای ایدئولوژیک - سیاسی و صراحت بخشیدن به سایر روشنها نظری متجسسی گردید و به اشخاص با متعدد در طیف نیروهای چپ انجامید. انقلاب بهمن و مبارزه حاد طبقاتی همچنین ضرورت با سخگوشی روشن به مسائل اساسی انقلاب و صراحت بخشیدن به هویت ایدئولوژیک را بر گروه بندیهای چپ تحمیل نمود و دروندتکامل گرایشها سیاسی - ایدئولوژیک بر مبنای شکست مشی‌های انحرافی حاکم بر گروه بندیهای چپ به بحرانی در طیف نیروهای چپ منجر گردید. گرچه طی این روند بخشی از طیف نیروهای چپ "تکامل" منفی و سیر قهقراشی طی کرده و حتی گاه به ارتداد آشکار کشیده شدند، اما دردل پراکندگی و شکست، روند شکل گیری جریان مارکسیستی - لنینیستی انقلابی نیز طی گردیده است. شکست انحرافات مختلف در عمل و در عرصه مبارزه طبقاتی، تجارب غنی مبارزات سالهای اخیر زمینه پردکامل ایمن انحرافات را فراهم آورده است. انقلاب و مبارزه طبقاتی سالهای گذشته، بمیزان ده سال شرایط "عادی" توده‌ها و پیشروان و کمونیستها را آموزش داده است.

تجارب عدم موفقیتهای گذشته، پیری میانی اصولی جریان مارکسیستی - لنینیستی انقلابی را بیش از هر زمانی فراهم ساخته است. تلاشهایی که برای جمع بندی تجارب سالهای اخیر و انتقاد شجاعانه از انحرافات گذشته صورت میگیرد، کوششهایی که برای تدوین و ارائه برنامه و مشی انقلابی مارکسیستی - لنینیستی و بی ریزی اصول سیاسی، ایدئولوژیک و تشکیلاتی که طی سالهای اخیر صورت گرفته است، تاکنون در جنبش چپ ایران بی سابقه بوده است. اساسی ترین مسائل انقلاب ایران در پرتو تجربه انقلاب بهمن مسود بررسی قرار گرفته و میگیرد و محور مبارزه ایدئولوژیک بدرستی برکانون مسائل برنامه‌ای و اساسی متمرکز شده است. ضرورت داشتن برنامه و

سیاست روشن و مشخص از جانب اکثر نیروها مورد پذیرش قرار گرفته و بجز معدود جریانهایی، اغلب نیروهای چپ بر نامه مشخصی را در سطح جنبش ارائه داده‌اند.

این فاکتورهای زنده نشان میدهد که چپ ایران علیرغم تجربه تلخ شکست در دوره گذشته گامهای اساسی و جدی به پیش برداشته و در مجموع تکامل یافته است. زمینه وحدت نیروهای چپ حول برنامه و مشی انقلابی مارکسیستی - لنینیستی بیش از پیش فراهم شده است.

در چنین وضعیتی متمرکز کردن تلاش برای وحدت نیروهای مارکسیست - لنینیست، حصول چارچوبهای مبهم و چند معیاری رگلی نشانه عدم درک عمیق علل بحران کنونی و ضرورت وحدت نیروهای مارکسیست - لنینیست حول برنامه و مشی روشن و بیانگر عقب ماندگی از سیر پیشرونده جنبش کمونیستی ایران است. اگر در مقطع انقلاب بهمن تکامل نیافتگی جنبش کمونیستی به جریان فداشی امکان داد که نیروهای وسیعی را حول میارهای کلی و عمومی و چارچوب ایدئولوژیک تعیین نیاخته گرد آورد، در شرایط کنونی، با توجه به سطح تکامل جنبش کمونیستی، تحقق این امر ممکن نیست و تلاش در این جهت، در وهله نخست بیانگر تفرقه رفتن از صراحت بخشیدن به هویت ایدئولوژیک و ترسیم مرزهای روشن و مشخص با انحرافات مختلف است که به تداوم حیات انحرافات و التقاطی ایدئولوژیک - سیاسی در جنبش چپ کمک خواهد کرد.

تجربه انقلاب بهمن و تجزیه جریان فداشی عدم موفقیت اش نشان داد که در شرایط مبارزه حاد طبقاتی و انقلاب در ایران یک جریان چپ بدون داشتن حدود صریحا مشخص ایدئولوژیک، برنامه و مشی روشن و مشخص قادر نیست در امر رهبری مبارزه طبقه کارگر و توده‌های زحمتکش، موفقیت کسب نماید و نداشتن برنامه و مشی مدون و مشخص و تعیین ایدئولوژیک از جمله ضعفهای اساسی و انحرافات ما بوده است.

مبارزه برای وحدت نیروهای چپ حصول برنامه و مشی مارکسیستی - لنینیستی انقلابی و برداشتن گامهای عملی در این راستا، سمتگیری نیروها در جهت برنامه و مشی انقلابی مارکسیستی - لنینیستی را تقویت کرده و روند شکست التقاطها ایدئولوژیک و تعمیق روندهای انتقادی در جریانات مختلف چپ را تسریع خواهد کرد و تداوم انحرافات و التقاطهای ایدئولوژیک - سیاسی در جریانهایی مختلف را با مشکل جدی مواجه ساخته و سخت تر خواهد کرد.

تجربه غنی انقلاب بهمن و مبارزه سالهای اخیر، و مبارزه شورویکی که طی این دوره صورت گرفته است، حداقلهای لازم را برای پشتوانه برنامه و مشی مارکسیستی - لنینیستی انقلابی و مبارزه برای وحدت نیروهای چپ برجین میناشی را فراهم آورده است.

جنگ مالی

بقیه از صفحه ۱

کشورهای فوق، ایما دوسیمی بخود میگیرد. شکست اجلاس اخیروزرای دارائی هفت کشور صنعتی بزرگ جهان (آمریکا، آلمان، ژاپن، انگلیس، فرانسه، کانادا و ایتالیا) که در پی تصمیمات اجلاس توکیو و برای تخفیف بحران پولی و تجاری جهان سرمایه داری درواشنگتن برگزار گردید و نیز نتایج نشست سالانه عمومی صندوق بین المللی پول آشکارا نشان داد که حتی بهبودهای موقتی و کوتاه مدت در چشم انداز بحران کنونی سرمایه داری متصور نیست.

در این گردها می‌شود، ژاپن و کشورهای اروپای غربی خواهان ایجاد ثبات در نرخ برابری ارزها، بویژه جلوگیری از سقوط بازهم بیشتر دلار بودند. در مقابل، آمریکا برای تامین این خواست و تشبیت ارزش دلار، خواهان پائین آوردن نرخ بهره توسط این کشورها بوده است. جیمز باکارد وزیر دارائی آمریکا در نشست مقدماتی وزرای "هفت کشور" در حالیکه بر ضرورت کاهش نرخ بهره توسط ژاپن و آلمان غربی تاکید میکرد، اظهار داشت: "کسری تجاری آمریکا با ژاپن و آلمان فدرال در ۱۹۸۸ میتواند زاینهم بیشتر افزایش یافته و در سطحی که از لحاظ سیاسی و اقتصادی غیر قابل پذیرش است باقی بماند." با گرتهدید کرد که در صورت عدم پذیرش کاهش نرخ بهره توسط ژاپن و آلمان، ارزش دلار همچنان سقوط خواهد کرد. اما ژاپن و اروپا با ایجاد هر گونه تغییر در نرخ بهره خود مخالفت کرده و اعلام کردند که مسائل و مشکلات مالی و تجاری آمریکا مربوط به خود آمریکا بوده و دولت این کشور باید خود را و در چارچوب سیاستهای اقتصادی داخلی به برای مقابله با این وضع، اخیرا موسسه "دخیسره

حل و فصل آنها اقدام کند.

سقوط سریع دلار از یکسویا زتاب تضعیف و افت اقتصاد آمریکا و زسوی دیگر بیانگر تغییراتی در تناسب نیروهای الیگارشهای مالی در عرصه بین المللی و ناتوانی امپریالیسم آمریکا در عرصه رقابت با کشورهای امپریالیستی است. از یکسال پیش آهنگ رشد اقتصاد آمریکا بسرعت کاهش یافته است و این نزول اقتصاد ای اینک بحقی رسیده است که بحث اقتصاددانان آمریکا بی سر آینده نزدیکی است که در آن شاخهای اقتصادی آهنگ رشد تولید ناخالص ملی آمریکا را منفی نشان خواهند داد. طبق آمارهای رسمی آهنگ رشد اقتصاد آمریکا در سه ماهه آخر سال ۸۵ فقط ۶٪ بوده و صنایع آمریکا در ژوئیه گذشته فقط با ۷۸/۲٪ ظرفیت شان کار میکردند. تولید در رشته های ذوب فلز، تولید فولاد، صنایع اتومبیل سازی و تولید کالاهای الکتریکی و الکترونیکی دچار رکود شده و بویژه در رقابت با ژاپن و آلمان بازارهای فروش خود را از دست میدهد. بخش ساختمان نیز که فعال باقی مانده بود در ژوئن و ژوئیه گذشته بطسور ناگهانی دچار رکود شدیدی گردید. سقوط دلار از مارس ۸۵ بدینسو در برابرین ژاپن ۳۶٪ و در برابر مارک آلمان غربی ۳۰٪ از ارزش خود را از دست داده است. افزایش با دکنگی دلار در بازار پولی بویژه با توجه به افزایش عظیم بودجه نظامی آمریکا بنوبه خود به رکود اقتصاد و رشد بیکاری و تورم دامن زده و امپریالیسم آمریکا را بیش از پیش در ایجا د تعادل در بر داختهای بین المللی خود ناتوان کرده است. کسری تجاری آمریکا اخیرا به رکورد صد و هفتاد میلیار دلار اضافی و اوقات و کسری بودجه دولت آمریکا به رقم ۲۴۰ میلیار دلار رسیده است.

بقیه در صفحه ۱۰

حزب کمونیست ویتنام

بقیه از صفحه ۴

رشد صادرات به ۹/۷٪ رسیده است. در بخش ساختن، شهرها گسترش یافته و شهرکها و مراکز مسکونی جدیدی ساخته شده است.

بقیه از صفحه ۵

شده بود که در مواردی سؤال شده بود، اختلافات سازمان ما با سازمان کارگران انقلابی ایسرا (راه کارگر) حول درک از انترناسیونالیسم پرولتری و مسائل اساسی انقلاب ایران چیست؟ کاها در مورد سایر سازمانهای چپ نیز چنین سوالاتی وجود داشت. گرچه مطالعه دقیق برنامها میتوانست این رفتار دریا فتن پاسخ به سوالات همگان را هنمائی کند، ولی بهر صورت طرح چنین سوالاتی نشانه ضعف در پیشبرد مبارزه فعال و همه جانبه ایدئولوژیک با جریانهای انحرافی و التقاطی در نثریه بوده است.

نثریه در یکسال گذشته در انتقال تجارب و مسائل جنبش کارگری - کمونیستی جهانی، جهان سوسیالیسم و جنبشهای رها می بخش چندان

بررسی یکسال فعالیت نشریه

فعال نبوده است، حال آنکه انتقال این تجارب برای درس آموزی از آنها برای جنبش کمونیستی ایران از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. نثریه در یک سال گذشته همچنین نتوانست یک روال ثابتی را دنبال کند بگونه ای که شماره ها مختلف بلحاظ بار مقالات درج شده کمابیش در سطح باشند و در نتیجه برخی از شماره های نثریه در این یا آن جنبه ضعیف بوده است.

در مجموع با در نظر گرفتن نقائص و ضعفها و نقاط مثبت نثریه، میتوان گفت که: طی فعالیت یکسال توانسته ایم نقش ارگان را بمشابه مبلغ، مروج و سازمانده جمعی، در مجموعه فعالیت خود بطور عمده تثبیت کنیم. در دومین سال انتشار نثریه تلاش خواهیم کرد با در نظر داشتن ارزیابی

حلقه اصلی در وحدت

بقیه از صفحه ۸

بر اساس چنین درکی در مقدمه برنامها سازمان تاکید گردیده است که: "ارائه اهمیت برنامها در شرایط کنونی از دو جنبه برای ما اهمیت میرم دارد. نخست برای متمرکز ساختن بحثها و مبارزه ایدئولوژیک حول برنامها و کام برداشتن در جهت وحدت نیروهای مارکسیست - لنینیست حول مبانی اساسی برنامهای دوم، پیشبرد فعالیت متشکل کمونیستی با مضمون، هدف و راستای مشخص و معین.

..... ما تمامی نیروهای مارکسیست - لنینیست را به بحث و مبارزه ایدئولوژیک حول مبانی اساسی برنامهای و تلاش برای وحدت اصولی بر پایه مبانی اساسی فرامی خوانیم."

(مقدمه طرح برنامها سازمان - ص ۱۷)

کام برداشتن بطور جدی در جهت وحدت حول مبانی اساسی برنامهای در ضمن مستلزم اینست که تلاشهای خود را برای استقرار در جنبش کارگری متمرکز کرده و با انتقاد جدی مارکسیستی از انحرافات اشتباهات و ضعفهای گذشته، و طرح ماقدها، شجاعانه و علمی آن در سطح جنبش بطور عملی و نظری در جهت زوددن آنها حرکت کنیم. این امر در عین اینکه دارای اهمیت ایدئولوژیک و عملی است، صداقت انقلابی، جدی بودن و وفاداری و تعهدمان را نسبت به اصول و برنامها مارکسیستی - لنینیستی انقلابی نشان میدهد.

وحدت حول برنامها، البته بهیچوجه بمعنی پایان دادن به هرگونه مناقشای نیست. ما برنامها نظریات بنیادی مربوط به خط و هدفها و وظایف جنبش ما را که با بیدار شدن رزممان باشد، علیرغم اختلاف نظرهای فرعی بر مسائلی فرعی، متحد و یکپارچه می کند و بطور محکم تشبیت می نماید.

از ارجحیت برخوردار خواهند بود. درکنگره سیاست و اقداماتی به تصویب میرسد که هدفش تنظیم بازار و تشبیت قدرت خرید توده ها است. با بسیج طبقه کارگر و گسترش خلاقیت توده ها و با پیشبرد مبارزه ای قاطع علیه بوروکراسی، بی شک حزب کمونیست بقیه در صفحه ۱۰

فعالیت سال گذشته، ضعفها و نقائص نشریه را بر طرف سازیم. در تلاش برای غلبه بر ضعفها و ارتقاء نثریه، پیشنهادات و انتقادات خوانندگان مبارز نثریه مسلما ما را یاری خواهد کرد. همانگونه که در یکسال گذشته، انتقادات و پیشنهادات مختلف ما را در شناخت ضعفها و نقائص یاری کرده است. از اینرو از پیشنهادات و انتقادات در هر زمینه ای استقبال می کنیم و از خوانندگان مبارز خواستار انتقادات جدی و مسئولانه می هستیم. ما از بیان آشکارا ضعفها و طرح ماقدها و علمی اشتقاق از فعالیتها بیماننداریم، چرا که در تلاش و مبارزه برای غلبه بر ضعفها بیماننداریم. ما از بیان آشکارا ضعفها و طرح ماقدها و علمی اشتقاق از فعالیتها بیماننداریم. ما از بیان آشکارا ضعفها و طرح ماقدها و علمی اشتقاق از فعالیتها بیماننداریم.

جنگ‌های تجاری امپریالیسم

بقیه از صفحه ۹

فدرال آمریکا که نقش بانک مرکزی آمریکا را ایفا می‌کند، پیش از تشکیل نشست وزرای دارائی "هفت کشور"، نرخ بهره را در آمریکا کاهش داد. براساس گفته‌های دونالد درگمان سخنگوی کاخ سفید، کاهش نرخ بهره به منظور "حفظ دلار در سطح پائین و کاهش کسری تجاری" صورت گرفته است. وی افزود این دو عامل به مسا اجازه می‌دهد که "از یک رشد اقتصادی هماهنگ در چارچوب ثبات بیشتر قیمت‌ها حمایت کنیم".

هدف سیاست مالی آمریکا اینست که اولاً: با کاهش ارزش دلار قدرت رقابت کالاها را در برابر کشورهای اروپای غربی، تضاد میان ژاپن و کشورهای عضو بازار مشترک و تضاد درونی بازار مشترک بویژه میان آلمان اریکسون و انگلیس و فرانسه از سوی دیگر، بدلیل سرانزیر شدن سرمایه‌های ژاپنی بسوی آلمان و کاهش ارزش لیره استرلینگ و فرانک فرانسه دوبرابر بر مارک وین، تشدید شده است. مارک آلمان هر روز قوی‌تر شده و در سیستم پولی بازار مشترک اروپا نقش تعیین کننده‌ای پیدا می‌کند. در مقابل فرانسه علیرغم آنکه در نتیجه کاهش قیمت نفت فقط در یکسال گذشته بیش از ۴۵ میلیارد دلار تنگ صرفه‌جوئی کرده است هنوز بزرگ قدرتهای بزرگ از موقعیت نیرومند برخوردار نیست. انگلیس در موضع بهرمانه است

اما حتی بنظر کارشناسان و اقتصاددانان غربی نیز پیشبرد این سیاست نمیتواند موثر واقع شده و گشایش در بحران و وضعیت درهم ریخته اقتصاد آمریکا ایجاد نکند. زیرا تضاد موجود میان کسری بودجه و کسری تجاری آمریکا غیر قابل حل است. بر طرف کردن کسری بودجه دولت آمریکا آن هم در شرایطی که بودجه نظامی بویژه در رابطه با پیشبرد برنامۀ "جنگ ستارگان" مخارج نجومی و عظیمی را طلب می‌کند، نیازمند یک دلار قوی است حال آنکه فائز آمدن به کسری تجاری کاهش ارزش برای دلار را ضروری می‌کند. پائین آوردن ارزش دلار اگرچه منجر به

افزایش قدرت رقابت کالاها را در آمریکا و نتیجه افزایش صادرات می‌شود، اما در عوض درصد بیکاری و رکود همراه با تورم رابشدت دامنه می‌زند. به همین جهت آمریکا میکوشد با وارد آوردن فشار بر کشورهای اروپای غربی و ژاپن برای کاهش نرخ بهره در این کشورها، از سقوط بیش از حد دلار جلوگیری کند.

در جنگ مالی - تجاری کنونی جهان امپریالیسم، علاوه بر تضاد میان آمریکا و ژاپن و کشورهای اروپای غربی، تضاد میان ژاپن و کشورهای عضو بازار مشترک و تضاد درونی بازار مشترک بویژه میان آلمان اریکسون و انگلیس و فرانسه از سوی دیگر، بدلیل سرانزیر شدن سرمایه‌های ژاپنی بسوی آلمان و کاهش ارزش لیره استرلینگ و فرانک فرانسه دوبرابر بر مارک وین، تشدید شده است. مارک آلمان هر روز قوی‌تر شده و در سیستم پولی بازار مشترک اروپا نقش تعیین کننده‌ای پیدا می‌کند. در مقابل فرانسه علیرغم آنکه در نتیجه کاهش قیمت نفت فقط در یکسال گذشته بیش از ۴۵ میلیارد دلار تنگ صرفه‌جوئی کرده است هنوز بزرگ قدرتهای بزرگ از موقعیت نیرومند برخوردار نیست. انگلیس در موضع بهرمانه است

گرامی باد یاد شهدای مهرماه

- جنگیز قبادی
- محمد علی سالمی
- سید سوزادی
- حسن حامدی مقدم
- غلامرضا صفری
- حسین علیزاده
- رحمت شریفی
- حسن جلالی نائینی
- علی‌فغان مدائن
- جهان‌شاه سعیدی افغانی
- محمد رضا فرشاد
- ژیلا سیاب
- بروین فاطمی
- اسما عیقل بیدشهری
- زهرا بیدشهری
- مصطفی رسولی
- مهر - نوش ابراهیمی
- منوچهر بهائی پور
- سعید احمدی لاری
- کرامت قبادی
- زاهد سجادی
- سیامک اسدیان (اسکندر)
- مسعود بیریری
- فریبا شفیعی
- ابراهیم شریفی
- علی حسن پور
- محمد کس نرانی
- غلامحسین زینی وند
- نژاد پروین
- عندلیبیان
- خیرالله حسن وند
- مهدی خانزاده
- علی محمد نژاد
- مریم توسلی
- فاطمه روغن چی
- عزت‌الله معلم
- سید ربیع حسینی
- رمضان قربانی
- علیرضا صفری
- عبدالله یزدانی
- شهباز شفیعی
- جعفر دلیر
- بهرام بهلوکمی
- روح‌الله الماسی
- غلامحسین مجیدی
- احمد سلیمان
- عباس گودرزی
- حسن سمعت
- حسن جان لنگوری
- کاروان علوی
- فرشید فرجاد
- احمد کبانی

است.

در مجموع، شکست مذاکرات اخیر بین آمریکا، کشورهای اروپای غربی و ژاپن در تشبیت نرخ برابری ارزها و کاهش نرخ بهره در این کشورها بحران دنیای سرمایه‌داری را گسترده‌تر کرده و بیش از همه تعادل اقتصاد آمریکا را برهم می‌زند. کما اینکه نتیجه شکست بلافاصله تا شیر خود را بر "وال استریت" با زار بورس آمریکا برجسای نهاده و ارزش سهام سودآورترین شرکتها را امریکائی به میزان قابل توجهی کاهش یافت.

حزب کمونیست ویتنام

بقیه از صفحه ۹

ویتنام بر مشکلاتی که امروز با آن مواجه است فائق خواهد آمد. زحمتکاران ویتنام به کنگره آینده حزب کمونیست چشم دوخته اند و از آن انتظار دارند که با تصویب سیاستهای جدید در جهت تجدید سازماندهی اقتصادی کشور و رفع نقائص و کمبودها و نقاط ضعف تغییرات واقعی و مهمی را در شرایط کشور ایجاد کند.

در پیش نویس اسناد ششمین کنگره حزب کمونیست ویتنام و در چارچوب سیاست خارجی، بر تلاشهای جدیدی که برای حل مسأله امتزیم مسئله کامبوج و تامین صلح پایدار در منطقه صورت می‌گیرد تاکید شده است. اکنون پس از سالها درگیری مسلحانه در کامبوج این امر که با زین گرفتن قدرت سیاسی توسط خبرهای سرخ برهبری "پول بوت" و سایر جناحهای اپوزیسیون امکان پذیر نیست به یک واقعیت انکارناپذیر تبدیل شده است. این واقعیت بیش از پیش توسط دولت‌های گه از

اپوزیسیون رژیم انقلابی و قانونی کامبوج حمایت مادی و سیاسی می‌کند و در کنگره بعدی جهت از یکسوا کامبوج آمادگی خود را برای گفتگو با اپوزیسیون، به استثنای دارودسته جناح پانگول بوت اعلام کرده و از سوی دیگر ویتنام، لائوس و کامبوج در تدارک برای انجام گفتگوهای چند جانبه چین، تایلند و کشورهای "آسه آن" بمنظور حل مسأله امتزیم مسئله کامبوج، عسادی کردن روابط با این کشورها و استقرار صلح در آسیای جنوب شرقی تلاش می‌ورزند.

بی تردید پیشرفت این سیاست به خروج نیروهای ویتنام از کامبوج منجر خواهد شد و این بنوبه خود نه تنها در تشبیت رژیم کامبوج و اضمحلال پول بوتیها و استقرار صلح در منطقه نقش قاطعی خواهد داشت بلکه با خروج ارتش ویتنام از کامبوج و بسط کلیه نیروهای مادی و معنوی و امکانات کشور در راه ساختن سوسیالیسم چشم اندازهای نوینی را در برابر منطقه کارگرو خلق ویتنام خواهد گشود.

حساب بانکی سازمان
CREDIT LYONNAIS
AGENCE GALAXIE-705
N°: 202815 R
M. REZAIE.N
PARIS - FRANCE

آدرس پستی:
M. REZAIE
B.P. NO. 270
75024 PARIS CEDEX 13
FRANCE

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر